

فانوس

کتابخانه

۹۲

در جستجوی هیأت تر از انقلاب اسلامی / شماره نود و دوم / تابستان ۱۴۰۵



به رنگ خانه،
به عطر هیأت

گفتاری از دکتر محمد جواد فلاح
پیرامون نقش هیأت در تربیت فرزند
و تقویت روابط خانوادگی

فانوس

فانوس - در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی

شماره نود و دوم، تابستان ۱۴۰۵

به رنگ خانه، به عطر هیأت

گفتاری از دکتر محمد جواد فلاح پیرامون نقش هیأت در تربیت فرزند و تقویت روابط خانوادگی

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

طراح جلد: مجتبی خاوری

صفحه‌آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۲۰ نسخه / نوبت چاپ: اول

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



نشر هیات امروز

انتشارات هیأت امروز

heyatemrooz.ir

@heyatemrooz_ir

info@۱۵۴۲.org



شبکه فعالان هیأت و کودک

۰۹۹۶۳۶۵۸۱۵۴

@heyatkoodak

Heyatkiodak.ir



دفتر هیأت و خانواده

@mahya۱۵۴۲



جامعه ایمانی مشعر

۳۰۰۰۱۵۴۲

www.۱۵۴۲.org

بسم ربیع

مقدمه

در عصری که بنیان خانواده در معرض چالش‌های متعدد فرهنگی، اجتماعی و تربیتی قرار گرفته، نیاز به بازتعریف و تحکیم نقش‌های خانوادگی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. هیأت‌های مذهبی، به‌ویژه هیأت‌های کودک و نوجوان، به‌عنوان یکی از نهادهای تأثیرگذار در جامعه دینی می‌توانند نقشی بی‌بدیل در پیوند دوباره قلب‌ها و تقویت ارزش‌های خانوادگی ایفا کنند.



این نوشتار برگرفته از سخنان دکتر محمد جواد فلاح، با نگاهی عمیق و کاربردی، به بررسی ظرفیت‌های هیأت در خدمت به خانواده و به‌ویژه ترمیم نقش پدر در کانون خانواده می‌پردازد. متن پیش رو با استناد به تجربیات میدانی و مبانی دینی، تلاش می‌کند نشان دهد چگونه هیأت‌ها می‌توانند نه تنها به عنوان محلی برای عبادت و معنویت، بلکه به عنوان تسهیل‌گر ارتباطات عاطفی و تربیتی میان اعضای خانواده عمل کنند. به تعبیر دیگر هیأت در خوش‌بین کردن کودکان به خانواده و کمک به ایفای صحیح نقش‌های خانوادگی می‌تواند مؤثر باشد؛ از نقش هیأت در شکستن انگاره‌های ذهنی نادرست درباره خانواده و والدین گرفته تا ارائه راهکارهایی برای تقویت صمیمیت، آگاهی‌بخشی، ادب، معنویت، قدرشناسی و احترام در روابط پدر و فرزند.



هیأت در خدمت خانواده

در شرایط کنونی، با توجه به چالش‌های موجود در جامعه، شاهد تضعیف، تحریف و تغییر ارزش‌های خانوادگی هستیم. در چنین فضایی، هیأت‌های مذهبی و هیأت‌های کودک، می‌توانند به عنوان کانونی برای پیوند قلب‌های مؤمنان عمل کنند و با ایجاد محبت، همدلی و هم‌گرایی فکری، عاطفی و رفتاری، گامی بلند در راستای تحقق جامعه‌ای ایمانی بردارند. هیأت‌ها، ظرفیت‌های ارزشمندی دارند که باید بدانیم چگونه می‌توان آن‌ها را در خدمت خانواده امروز قرار داد؛ تا از نقش‌های خانوادگی که گاه در معرض تحریف یا کمرنگ شدن هستند، محافظت و مراقبت کرده و آن‌ها را تقویت نمایند.

یکی از دغدغه‌های مهم برای فعالان عرصه هیأت‌های مذهبی (اعم از مدیران، مربیان، دست‌اندرکاران و رابطین این عرصه) این است که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های

هیأت برای تقویت و ترمیم نقش‌های خانوادگی استفاده کرد. امروزه نقش‌های اساسی خانواده مانند پدری، مادری، فرزندی و همسری دچار چالش‌های جدی شده‌اند. ایده محوری این است که هیأت‌ها می‌توانند به عنوان نهاد مکمل عمل نموده و این نقش‌ها را ترمیم و تقویت کنند. سوال اینجاست که چگونه می‌توان هیأت و خانواده را به هم پیوند زد؟ هیأت چگونه می‌تواند به تحکیم نقش پدری کمک کند، نقش مادری را تسهیل نماید و کودکان را در ایفای صحیح نقش فرزندی یاری رساند؟ برای تحقق این مهم، باید برنامه‌ریزی‌های هیأت‌ها به سمتی سوق داده شود که به تحکیم بنیان خانواده کمک نماید.

تأثیرگذاری هیأت در
ایامی مانند اعتکاف
که فرصت بیشتری
برای تعامل وجود
دارد، نمود حداکثری
می‌یابد.

ظرفیت مناسبت‌های مذهبی

تأثیرگذاری هیأت در ایامی مانند اعتکاف که فرصت بیشتری برای تعامل وجود دارد، نمود حداکثری می‌یابد. در این ایام، با توجه به زمان بیشتری که اعضا در فضای هیأت سپری می‌کنند، امکان شکل‌دهی به ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری آنان فراهم می‌شود. چنین شرایطی با جلسات هیأت که نهایتاً یکی دو ساعت در هفته یا ماه برگزار می‌گردد، تفاوت دارد. مراسماتی مثل اعتکاف که سه روز متوالی در ایام مبارک و معنوی ماه رجب و در فضای ملکوتی مسجد، زیر نظر مربیانی که با نیت و انگیزه مخلصانه وارد این عرصه شدند، می‌تواند رفتارهای ثابت ایجاد کند؛ به این صورت که ابتدا در تمایلات و گرایش‌ات انسان تغییر به وجود بیاورد و زمینه را برای تغییرات طولانی و ایجاد خلقات بلند مدت فراهم نماید و در نهایت به تحولات رفتاری پایدار ختم شود. بنابراین باید روی این فرصت‌ها تمرکز کرد و نقاط ضعف و قوتش را بررسی

نمود و برای آسیبی‌های احتمالی‌اش تدبیری اندیشید تا بتوانیم از ظرفیت‌های هیأت در مسیر تعالی خانواده‌ها و بهبود نقش‌های خانوادگی بیشترین بهره را ببریم. بنابراین پیشنهاد این است که به جای تمرکز صرف بر برنامه‌های کوتاه‌مدت، از این فرصت‌های طلایی (مانند اعتکاف) به شکلی هدفمند استفاده گردد تا هیأت به مرکزی برای تقویت بنیان خانواده و اصلاح نقش‌های خانوادگی تبدیل شود.



هیأت باید
تسهیل‌گری کند؛
یعنی اگر مانعی
در برقراری ارتباط
صحیح بین والدین
و فرزندان وجود
دارد، باید توسط
هیأت مرتفع گردد.

تسهیل‌گری

ما در هیأت با کودکان و نوجوانانی روبه‌رو می‌شویم که هر کدام در خانواده‌هایی با شرایط مختلف رشد کرده‌اند؛ برخی با استعدادها و قابلیت‌های خاص، برخی با چالش‌ها و محدودیت‌های منحصر به فرد و برخی با نیازهای عاطفی و تربیتی متفاوت که هیأت باید مانند یک تسهیل‌گر وارد عمل شده و پیوندهای عاطفی بین اعضای خانواده را تقویت نماید و به ایفای درست نقش‌های خانوادگی کمک کند. امروز ممکن است بعضی از والدین نقش خود در خانواده را به خوبی ایفاء نکنند و باعث بروز چالش‌ها و مشکلاتی بشوند؛ فرض بفرمایید گاهی یک مرد به عنوان پدر خانواده به دلیل حفظ اقتدارش، نمی‌تواند رابطه صمیمانه‌ای با دخترش داشته باشد و یا مادری که به دلیل سبک تربیتی خاص، نمی‌تواند ارتباط مؤثری با فرزندش برقرار کند؛ این جاست که هیأت می‌تواند به این پدر کمک کند و روش صحیح ارتباط

با فرزندان را به او آموزش دهد. هیأت باید تسهیل‌گری کند؛ یعنی اگر مانعی در برقراری ارتباط صحیح بین والدین و فرزندان وجود دارد، باید توسط هیأت مرتفع گردد. گاهی ما از کودکی سؤال می‌کنیم که ارتباطت با پدرت چگونه است؟ می‌گویند پدرم خیلی جدی است، این جدیت او اصلاً به من اجازه نمی‌دهد که به او نزدیک شوم، یا پدرم خیلی سخت‌گیر است و توقعش خیلی از ما بالاست، به خاطر همین اگر من بخواهم مشکلم را با پدرم درمیان بگذارم، ممکن است خیلی ناراحت شود و مشکل من را مضاعف کند؛ بنابراین ممکن است گاهی برخورد غلط والدین مانع ارتباط درست با فرزندان شود، در نتیجه باعث شده که بین اعضای خانواده فاصله بیفتد و این هیأت است که باید کمک کند تا این رخنه پر گردد و این فاصله کم شود و فضای عاطفی به شکل درست آن رقم بخورد.

گاهی تصورات و
انگاره‌های نادرستی
در ذهن افراد
شکل می‌گیرد
که بر اندیشه،
احساسات و رفتار
شخص سلطه پیدا
می‌کنند.

انگاره‌های شناختی نادرست

به نظر من در فضای هیأت کودکان می‌توان بر سه محور اصلی تمرکز کرد. اولین و مهم‌ترین محور، تأثیرگذاری شناختی و ذهنی بر کودکان است. از آنجا که مخاطب اصلی هیأت، کودکان هستند و ارتباط مستقیم‌تر با آن‌ها داریم، نقش اصلی ما تسهیل‌گری از طریق تأثیر ذهنی و شناختی روی آن‌هاست. البته اگر امکان ارتباط با والدین نیز فراهم باشد بسیار ارزشمند است، اما تمرکز اصلی باید بر کودکان باشد. متأسفانه گاهی تصورات و انگاره‌های نادرستی در ذهن افراد شکل می‌گیرد که بر اندیشه، احساسات و رفتار شخص سلطه پیدا می‌کنند. برای نمونه، در فرهنگ عمومی ما باورهایی مانند باجناب فامیل نمی‌شود یا دعوای همیشگی مادرشوهر و عروس وجود دارد که چنان در ذهن و روح ما نفوذ کرده‌اند که حتی زمانی که واقعیت متفاوت است، باز هم بر رابطه‌ها تأثیر منفی می‌گذارند؛ مثلاً ممکن است فردی

مادرشوهر بسیار خوبی داشته باشد، اما به دلیل همین پیش فرض ذهنی، هرگز نتواند رابطه‌ای صمیمانه با او برقرار کند. این انگاره‌ها در رابطه والدین و فرزندان نیز شکل می‌گیرند. گاه عواملی مانند رسانه، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به گونه‌ای عمل می‌کنند که تصویری نادرست از نقش پدر در خانواده ساخته می‌شود؛ مثلاً پدر به عنوان یک خودپردازی که فقط نقش آورنده پول را دارد، یک عنصر مزاحم، یا کسی که هیچ جایگاهی در تربیت فرزند ندارد، نمایش داده می‌شود. این ذهنیت‌ها به تدریج رابطه سالم پدر با خانواده را تضعیف کرده و نقش واقعی او را کمرنگ می‌کنند و به مرور مضمحل می‌گردد.

اولویت اصلی ما
باید اصلاح نگرش
کودکان باشد؛
یعنی کمک کنیم
تا برداشت و تصور
آنان از خانواده در
معنای کلی‌اش
بهبود یابد.

انگاره‌زدایی

این انگاره‌های نادرست، ممکن است در تمام روابط شناختی، عاطفی و رفتاری کودکان تأثیر منفی بگذارد. از این رو، یکی از وظایف مهم ما در حوزه شناختی و معرفتی، شکستن این انگاره‌ها و ایجاد آرامش ذهنی در کودکان نسبت به مفهوم خانواده می‌باشد. هدف این است که پیوندهای عاطفی و معنایی آنان با کانون خانواده تقویت شود. البته نقش والدین در شکل‌دهی به این ذهنیت‌ها انکارناپذیر است و گاه آنان نیز در ایجاد تصورات نادرست سهیم هستند. اما در فضای صمیمی هیأت، اولویت اصلی ما باید اصلاح نگرش کودکان باشد؛ یعنی کمک کنیم تا برداشت و تصور آنان از خانواده در معنای کلی‌اش بهبود یابد: خانواده را پناهگاه امن، محل رشد و محیطی سرشار از امنیت و آرامش ببینند، نه جایی که گریز از آن را راه حل مشکلات بدانند. متأسفانه گاه ذهن کودک به سمتی می‌رود که خانه را محل

درگیری، محدودیت و مانع تحقق آرزوهایش می‌پندارد و همین احساس می‌تواند به خانواده‌گریزی بینجامد. در هیأت، باید به تدریج این واقعیت را به کودکان نشان دهیم که خانواده بهترین پناهگاه آن‌هاست و حمایت والدین حمایتی اصیل و بی‌ریاست. دیگران ممکن است با ظاهر محبت‌آمیز، در پی منافع خود باشند، اما پدر و مادر، فرزند را به خاطر خودش، ارزش‌هایش و ماندگاری‌اش می‌خواهند؛ حتی اگر این خواستن گاه با تلخی همراه باشد، مانند داروی تلخی که شفابخش است. به گمان من، یکی از وظایف اصلی ما خوش‌بین کردن کودکان نسبت به خانواده، تقویت حس پناه‌جویی در آنان و انتقال این مهارت است که نگرش مثبتی نسبت به کانون خانواده در ذهن خود پرورش دهند. این کار، گامی اساسی در استحکام پایه‌های عاطفی و روانی کودک است.

من به عنوان یک
مربی می‌توانم از
این ظرفیت برای
جهت‌دهی به
نگرش کودکان
نسبت به خانواده
استفاده کنم.

نقش هیأت در ترمیم خانواده

هیأت، محل پیوند و تجمع قلوب ایمانی و افکار متعالی است؛ جایی که قلب‌ها و اندیشه‌های پاک به هم گره می‌خورد. وقتی چنین فضایی فراهم می‌شود، من به عنوان یک مربی می‌توانم از این ظرفیت برای جهت‌دهی به نگرش کودکان نسبت به خانواده استفاده کنم. هدف اصلی این است که آن‌ها را به سمت خانواده سوق دهم، نگاه‌شان را اصلاح کرده و برداشت‌شان را از کانون خانواده ترمیم نمایم و آن‌ها را نسبت به این نهاد مهم خوشبین کنم. خانواده گاهی به معنای کلان و گاهی بر اساس نقش‌هایی که در این نهاد تعریف شده، قابل بررسی است. برای مثال، ذهنیت کودکان نسبت به مادر و نقش او چیست؟ تصورشان از پدر و نقشش چگونه است؟ در اینجا تمرکز بحث ما بیشتر به سمت نقش‌ها، خصوصاً نقش پدر می‌باشد. ما در فضای تخصصی، بیش از صد نشست را تنها به موضوع رابطه پدر و

دختر اختصاص داده ایم؛ این که موانع این رابطه چیست؟ عوامل و آسیب های آن کدام است؟ پدر در موقعیت های مختلف (مانند نصیحت کردن، مواجهه با خطای فرزند، موضوع ازدواج، یا حتی هنگام علاقه مند شدن دختر به جنس مخالف) چه واکنشی باید داشته باشد؟ این ها مسائل مهمی هستند که هر یک جای گفتگوی مفصل دارد. تازه این مباحث مربوط به رابطه پدر و دختر است و رابطه پدر و پسر نیز دنیای مجزایی دارد و پرسش های خاص خود را می طلبد. نتیجه این رابطه باید چه باشد؟ چگونه می توان پسری را تربیت کرد که در آینده مردی موفق، مسئولیت پذیر، مهربان، توانمند و دارای قدرت مدیریت و اقتدار لازم برای سرپرستی خانواده باشد؟ آیا امروز خروجی خانواده های ما چنین پسری می تواند باشد؟ یعنی ما پسرهای مسئولیت شناس به جامعه مان تحویل می دهیم؟

متأسفانه امروزه
تصویری کاریکاتوری
از خانواده برای ما
ساخته شده که در
آن نقش ها جابجا،
تحریف و تضعیف
شده اند؛ مادر نقش
پدر را و پدر نقش
مادر را بازی می کند.

خانواده

خانواده کاریکاتوری

وقتی پدر را از خانواده حذف کنیم و تنها به نقش تأمین‌کننده مالی او تقلیلش دهیم، دیگر چگونه می‌توان انتظار داشت که پسر آینده، مردی موفق و مسئولیت‌پذیر تربیت شود؟ چگونه می‌تواند مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی خود را به درستی انجام دهد، در حالی که در خانه نیاموخته است که باید در تربیت فرزند سهیم باشد و از دختر و پسرش حمایت عاطفی و معنوی کند؟ متأسفانه امروزه تصویری کاریکاتوری از خانواده برای ما ساخته شده که در آن نقش‌ها جابجا، تحریف و تضعیف شده‌اند؛ مادر نقش پدر را و پدر نقش مادر را بازی می‌کند. این آشفتگی نقش‌ها چگونه می‌تواند به تربیت فرزندی بینجامد که در آینده قادر به ایفای نقش‌های اصیل مردانه باشد؟ جالب است که در پژوهش‌ها (چه در منابع غربی و چه در آموزه‌های دینی خودمان) به این نتیجه رسیده‌اند که اگر پدری به دخترش به اندازه کافی توجه نکند

(توجهی همراه با احترام، دیدن زیبایی‌ها، توانمندی‌ها و حتی قابلیت‌های زنانه او و تحسین صادقانه‌اش) ممکن است دختر به آنچه که سندرم پدر-دختری (به معنای منفی) نامیده می‌شود، دچار گردد. در این حالت، ذهنیتی در دختر شکل می‌گیرد که نمی‌گذارد او در آینده بتواند با یک مرد ارتباط سالمی برقرار کند، جایگاه مرد را به عنوان همسر بپذیرد، یا حتی نقش مادری خود را نسبت به پسرش به درستی ایفا نماید. این تحقیقات تأکید می‌کنند که برای شکوفایی زنانگی یک دختر، یعنی توانایی او برای تبدیل شدن به یک مادر و همسر خوب، توجه و دید مثبت پدر ضروری است. دخترانی که از این توجه محروم می‌مانند، ممکن است نگاهی منفی، وسواسی و آمیخته به آسیب نسبت به مردان پیدا کنند.

اصلاح نگرش‌ها

هیأت می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌هایی که ایجاد می‌کند، در سه محور اصلی وارد عمل شود؛ تقویت بُعد شناختی و نگرشی، پرورش بُعد عاطفی و گرایشی، آموزش مهارت‌های رفتاری، با هدف این‌که کودکان در این سه حوزه توانمند شوند و بتوانند نقش فرزندی خود را به درستی ایفا کنند و با سایر نقش‌های خانوادگی (مانند پدر، مادر، مادر بزرگ و پدر بزرگ) تعامل سالم و سازنده‌ای داشته باشند. هیأت می‌تواند در این فرآیند، برای تقویت پیوندهای خانوادگی و برای رفع آسیب‌های احتمالی در روابط، نقش تسهیل‌گر را ایفاء کند.



تصورات و انگاره‌هایی که کودکان درباره خانواده و به ویژه پدر دارند، بیشتر به بُعد شناختی و معرفتی مربوط می‌باشد که تشخیص آن و شناخت ظرفیت هیأت در اصلاحش بسیار مهم است و می‌تواند به اعضای خانواده کمک کند. در برخی کارگاه‌ها از کودکان می‌خواهم در یک جمله یا یک واژه پدرشان را توصیف کنند. برخی پاسخ‌ها از قبیل قهرمان، حامی، عاشق واقعی مثبت است، اما گاه پاسخ‌هایی مانند غول بی‌شاخ و دم یا موجود گیردهنده شنیده می‌شود که بیان‌گر رابطه‌ای آشفته و ناسالم در ذهن کودک می‌باشد. چند روز پیش، همکاری تعریف می‌کرد که در کلاسی درباره احترام به والدین صحبت می‌کرده و یکی از دختران ناگهان در برابر جمع شروع به پرخاش و بدگویی درباره پدرش کرده است. این واکنش تکان‌دهنده نشان می‌دهد که رابطه ذهنی و عاطفی آن دختر با پدرش تا چه اندازه آسیب دیده است. اینجاست که هیأت باید وارد شود و به کودکان کمک کند تا نگرش خود را نسبت به خانواده، به ویژه نقش پدر و مادر، اصلاح و بهبود بخشند. یکی از کارهای اصلی ما در هیأت، خوش‌بین کردن کودکان به قانون خانواده است. اینجا ابتدا باید فضای ذهنی و نگرشی آنان را سامان داد.

یکی از کارهای اصلی ما در هیأت، خوش‌بین کردن کودکان به قانون خانواده است. اینجا ابتدا باید فضای ذهنی و نگرشی آنان را سامان داد.

وظایف دینی فرزندان

کاش فرصتی بود تا بتوانم برخی از این آموزه‌های ناب را بگشایم و به وظایف اعضای خانواده که در آیات و روایات بیان شده اشاره‌ای داشته باشم. ما در آموزه‌های دینی خود، آیه‌ای داریم که می‌فرماید: «وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۱ اما چگونه می‌توانیم این مفهوم را به کودکان بیاموزیم؟ نگاه کنید چه ظرافتی در این عبارت نهفته است. در روایتی که ذیل این آیه آمده، تفسیر شده که حرف «باء» در «بالوالدین»، «بای الصاق» است؛ یعنی باید مستقیماً و با دست خودتان احسان کنید، نه این که بخواهید با واسطه و از طریق دیگری مانند کارگر گرفتن، این تکلیف را انجام دهید. همچنین در روایت دیگری تأکید شده که «احسان به والدین» یعنی پیش از آنکه پدر و مادر نیازی را از شما درخواست کنند، پیش‌دستی کنید و آن نیاز را برطرف سازید؛ نه اینکه منتظر

۱. بقره، ۸۳.

باشید تا آن‌ها رو به شما آورند و مشکلشان را در میان بگذارند و درخواست کمک نمایند. اینجاست که پای مهم‌ترین رسالت هیأت به میان می‌آید که به کودکان کمک کند تا نقش فرزندی خود را. چه به عنوان دختر و چه به عنوان پسر. به درستی و به نیکی ایفا کنند. البته این نقش‌آفرینی برای دختر در برابر پدر اقتضائاتی متفاوت با نقش او در برابر مادر دارد. برای مثال، تأکید بر احترام به پدر بسیار پررنگ است، در حالی که مادر، محبت بیشتری مطالبه می‌کند. این تفاوت‌های ظریف (که در روایات ما به‌طور دقیق به آن‌ها توجه و توصیه شده) موضوعی است که اگرچه اکنون مجال تفصیل آن نیست، ولی از اهمیت بسیار بالایی در تربیت دینی برخوردار است.

اینجاست که پای
مهم‌ترین رسالت
هیأت به میان
می‌آید که به کودکان
کمک کند تا نقش
فرزندی خود را. چه
به عنوان دختر و چه
به عنوان پسر. به
درستی و به نیکی
ایفا کنند.

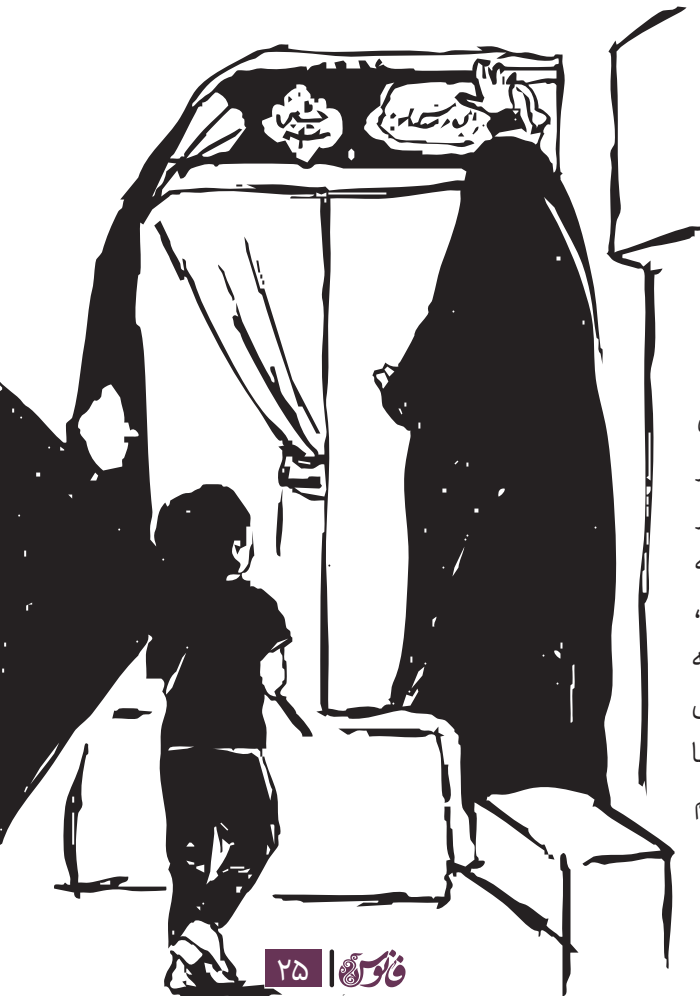


نخستین عرصه خروج از فردیت

در بحث هیأت‌های کودکان، این پرسش کلیدی مطرح است که ما در رابطه میان هیأت و خانواده چه جایگاهی داریم و باید چه اقداماتی انجام دهیم تا هم به ایمنی و صیانت خانواده کمک کنیم و هم توانمندی‌های آن را افزایش دهیم.

به باور من، اگر بخواهیم جامعه‌ای اصیل و ایمانی شکل بگیرد، خانواده حلقه‌ای است که فرد را به اجتماع پیوند می‌زند. نخستین عرصه‌ای که اخلاق کودک در آن ظهور می‌یابد، درون خانواده است. کودک ابتدا فردیتی مستقل دارد و نخستین تجربه‌های دیگرگرایی و زندگی اجتماعی را در ارتباط با اعضای خانواده مانند پدر، مادر، خواهر و برادر کسب می‌کند. در این فضای خانوادگی، ویژگی‌های اخلاقی و تعاملات اجتماعی حداقلی، بر پایه محبت شکل می‌گیرند. از آنجا که در خانواده، روابط کاملاً خویشاوندی و نسبی است و پیوندهای عاطفی عمیق وجود دارد، شکل‌گیری شخصیت اجتماعی کودک با سهولت بیشتری انجام می‌شود. برای مثال، پدر و مادر نسبت به فرزند خود حسادت نمی‌ورزند؛ محبت‌های آنان بی‌چشم‌داشت و خالصانه است و انگیزه‌های غلط و منفی در آن راه ندارد. بنابراین، هیأت کودک باید به گونه‌ای طراحی شود که این نقش خانواده را درک کند، آن را تقویت نماید و در ادامه‌دهی مسیر تربیتی خانواده، همراه و مکمل باشد.

خانواده حلقه‌ای
است که فرد را
به اجتماع پیوند
می‌زند. نخستین
عرصه‌ای که اخلاق
کودک در آن ظهور
می‌یابد، درون
خانواده است.



مراحل رشد اجتماعی کودک

پس از خانواده، حلقه دوم اجتماعی؛ یعنی حلقه خویشاوندان شکل می‌گیرد. هر چه فضای خانواده صمیمی‌تر و سالم‌تر باشد، کودک در ارتباط با عمو، خاله، عمه و دایی موفق‌تر خواهد بود. این حلقه، فضای واسطه‌ای بین خانواده و جامعه گسترده‌تر است و در آن، مهارت‌های کودک در پیوندهای اجتماعی ارتقا می‌یابد، پیوندهای خانوادگی مستحکم می‌گردد و ارزش‌هایی مانند صلح‌رحم،

دید و بازدید، احسان، تفقد، انفاق و همدلی تمرین و نهادینه می‌شود. سپس حلقه سوم یعنی همسایگی آغاز می‌شود. تأکید روایات بر حسن الجوار نشان‌دهنده اهمیت این مرحله در اجتماعی‌شدن کودک است. به تدریج کودک از فردیت به خانواده، از خانواده به خویشاوندان و از آنجا به همسایگی، دوستی با همکلاسی‌ها و در نهایت به عرصه شهروندی وارد می‌شود و هویت اجتماعی او شکل می‌گیرد. اگر روابط در حلقه اول (خانواده) به درستی شکل نگیرد، تأثیر منفی آن در تمام مراحل بعدی آشکار می‌شود. بسیاری از ویژگی‌های منفی مانند خودخواهی، لجبازی یا جمود فکری در بزرگسالی که زمینه ظهور خیلی از مشکلات و چالش‌ها شده، ریشه در روابط ناسالم درون خانواده دارد؛ مانند ارتباط نادرست پدر و فرزند، مادر و کودک یا روابط بین خواهر و برادرها. لذا هیأت کودک باید در جهت تقویت پیوندهای خانوادگی و توانمندسازی کودکان در ایفای نقش خود در خانواده عمل کند. هیأت باید ذهن، روح، عواطف و مهارت‌های کودکان را به گونه‌ای سامان دهد که آن‌ها به خانواده نزدیک‌تر شوند، نقش فرزندی خود را بهتر بشناسند و در تعامل با پدر، مادر و خواهر و برادرها موفق‌تر عمل کنند. در واقع، هیأت تسهیل‌گر رابطه سالم خانوادگی است تا کودک بتواند در حلقه‌های بعدی اجتماع نیز فردی مؤثر و متعادل باشد.

ما نیازمند
«بسته‌های تربیتی»
هستیم که سه
جنبه را پوشش
دهد: بسته
معرفتی (شناختی
و فکری)، بسته
عاطفی (گرایشی و
احساسی)، بسته
رفتاری (مهارت‌های
عملی)؛ این بسته‌ها
باید به تفکیک
نقش‌های درون
خانواده طراحی
شوند.

بسته‌های تربیتی

گاهی ممکن است، موانعی از سوی خود کودکان باعث شود رابطه پدر فرزندی (چه با پسر و چه با دختر) به درستی شکل نگیرد. هیأت کودک باید به تدریج این موانع را برطرف سازد. اما چگونه؟ این موضوع نیاز به طراحی و برنامه‌ریزی دقیق دارد. ما نیازمند «بسته‌های تربیتی» هستیم که سه جنبه را پوشش دهد: بسته معرفتی (شناختی و فکری)، بسته عاطفی (گرایشی و احساسی)، بسته رفتاری (مهارت‌های عملی)؛ این بسته‌ها باید به تفکیک نقش‌های درون خانواده طراحی شوند: رابطه پدر-دختر، پدر-پسر، مادر-دختر، مادر-پسر و رابطه خواهر-برادر. هر کدام از این روابط، نیازمند بسته‌ای جداگانه است که ابتدا مسئله‌شناسی کند و سپس راهکار ارائه دهد. به عنوان مثال، برای تسهیل رابطه کودکان با پدر، بخشی از کار مربوط به آموزش مهارت‌هایی به خود پدران است. اگرچه ممکن است دسترسی مستقیم به

پدران برای هیأت کودکان سخت باشد (یا نیاز به تلاش جداگانه‌ای داشته باشد) و این وظیفه ممکن است بر عهده هیأت‌های بزرگسالان باشد، اما آنچه هم‌اکنون در اختیار ماست، خود کودکان هستند، پس تمرکز اصلی ما در هیأت کودک باید بر این باشد که کودکان را در سه بعد نگرشی (معرفتی)، عاطفی (گرایشی) و رفتاری توانمند کنیم تا بتوانند نقش خود را در قبال خانواده به خوبی ایفا کنند. این همان کاری است که به نظر من هیأت می‌تواند انجام دهد که روش‌های عملی کردن این ایده، نیازمند بحث و طراحی جزئی‌تر می‌باشد.

برای عملیاتی کردن
این ایده (استفاده
از ظرفیت هیأت
کودکان برای بهبود
و تقویت روابط
درون خانواده)
نیاز به طراحی
برنامه‌های دقیق،
جذاب و مؤثر در
فرصت‌های موجود
(مانند جلسات
هفتگی، اردوها یا
مراسمی مانند
اعتکاف) داریم.



راه کارهای عملیاتی

برای عملیاتی کردن این ایده (استفاده از ظرفیت هیأت کودکان برای بهبود و تقویت روابط درون خانواده) نیاز به طراحی برنامه های دقیق، جذاب و مؤثر در فرصت های موجود (مانند جلسات هفتگی، اردوها یا مراسمی مانند اعتکاف) داریم. به عنوان مثال، می توان در مناسبت هایی چون ولادت امیرالمؤمنین، با محوریت موضوع پدر، برنامه ای طراحی کرد که به ترمیم و بهبود رابطه کودکان با پدرانشان بپردازد. البته قبل از هر اقدام عملی، باید روی ذهن و روح و فکر بچه ها کار شود و منشأ خلأهای عاطفی آنها روشن شده و انگاره های ذهنی شان شناسایی گردد و مهارت هایشان محک بخورد تا امکان اصلاح باورها و تصورات منفی و جایگزین کردن نگرش های مثبت و بازیابی و هدایت عواطف به وجود بیاید. پس از این مرحله است که می توان آموزش مهارت های ارتباطی را شروع کرد و راهکارهای عملی برای تعامل بهتر با پدر و

مادر در موقعیت‌های مختلف (مانند مواقع خطا، درخواست، گفتگو و...) ارائه داد و در مسیر نزدیک کردن نقش‌های خانواده گام برداشت. در این مسیر باید شرایط ویژه و استثنائات را نیز در نظر گرفت؛ زیرا ما پدیده‌ای تحت عنوان پدران و مادران غایب داریم؛ کودکانی هستند که به هر دلیلی (طلاق، فوت یا شهادت) از حضور فیزیکی والدینشان محروم‌اند و نیازمند طراحی برنامه‌های خاص، نسخه ویژه و حمایت‌های جداگانه هستند.

علاوه بر تمرکز بر نقش‌ها، یک عامل کلیدی دیگر برای بهره‌گیری از ظرفیت هیأت در بهبود روابط خانوادگی، توجه به برخی عناصر و اصول مهم ارتباطی است.

اصول روشی

علاوه بر تمرکز بر نقش‌ها، یک عامل کلیدی دیگر برای بهره‌گیری از ظرفیت هیأت در بهبود روابط خانوادگی، توجه به برخی عناصر و اصول مهم ارتباطی است. این عناصر گاه در قالب فضیلت‌های اخلاقی و گاه در شکل اصول روشی ظاهر می‌شوند. برای مثال اصل صمیمت یک فضیلت اخلاقی محوری است و اصل تناسب یک اصل روشی است؛ به این معنا که پدر باید در رفتار و محبت خود، تناسب جنسیتی، سنی و موقعیتی فرزندش را رعایت کند. همان‌گونه که گفته شده: «چون سروکار تو با کودک فتاد / پس زبان کودکی باید گشاد». این نشان می‌دهد محبت و ارتباط باید با در نظر گرفتن اقتضای سن و درک کودک تنظیم شود. این اصول و عناصر ارتباطی می‌توانند به خودی خود محور گفت‌وگو، برنامه‌ریزی و فعالیت‌های هیأت قرار گیرند. مربیان و مدیران هیأت می‌توانند از این مفاهیم به عنوان چارچوبی برای طراحی مباحث و

ایجاد فضایی استفاده کنند که این اصول در آن تمرین و تقویت شوند. به طور ویژه، در بحث ایفای نقش پدری، رعایت این عناصر (مانند صمیمیت همراه با تناسب) از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین، تمرکز و ترویج این اصول در هیأت، می‌تواند گام مؤثری برای دستیابی به اهدافی باشد که فعالان هیأت‌های کودک دنبال می‌کنند.

آگاهی بخشی را
می‌توان یکی از
رسالت‌های اساسی
پدر در قبال همه
فرزندان، چه دختر و
چه پسر دانست.

آگاهی بخشی

یکی از مهم‌ترین عناصر و اصول کلیدی و بنیادین ارتباطی، عنصر آگاهی بخشی است. منظور از آگاهی بخشی این است که پدر بتواند نقش معلم و راهنمای اخلاقی و دینی را در خانواده ایفا کند. اگر به روایات مراجعه کنیم، می‌بینیم که از جمله حقوق آشکار فرزندان بر پدر، حق تعلیم و آموزش، به ویژه آموزش قرآن است؛ لذا آگاهی بخشی را می‌توان یکی از رسالت‌های اساسی پدر در قبال همه فرزندان، چه دختر و چه پسر دانست. نکته قابل تأمل آنکه اگر دقیق‌تر بنگریم، شیوه این آگاهی بخشی میان دختر و پسر تفاوت‌هایی دارد. هر یک از این دو، اقتضائات روحی و تربیتی ویژه خود را می‌طلبند و پدر باید با درک این تفاوت‌ها، مسیر آگاهی را متناسب با جنسیت فرزندش هموار کند. هیأت در راستای کمک به خانواده‌ها و حمایت از والدین، باید بخشی از این مسئولیت آگاهی بخشی را بر عهده بگیرد؛ به عبارت روشن‌تر،

در شرایطی که خانواده به هر دلیل نتوانسته است وظیفه خود را در قبال کودک به درستی انجام دهد، ضروری است که هیأت این خلأ را شناسایی و آن را جبران نماید.



هیأت در راستای
کمک به خانواده‌ها
و حمایت از والدین،
باید بخشی از
این مسئولیت
آگاهی بخشی را بر
عهده بگیرد.

نقش مکمل

تأکید من بر این است که نقش هیأت، صرفاً تسهیل‌گری است؛ زیرا عمیقاً بر این باورم که هیأت نباید به جای خانواده بنشیند. به عبارت دیگر، قرار نیست نقش پدر و مادر در خانواده کم‌رنگ یا حذف شود و هیأت جانشین آن‌ها گردد. فرض کنید پدری به دلایل مختلف از جمله مشغله کاری و گرفتاری‌های زندگی و دغدغه‌های متعدد دیگر، نتوانسته است نقش آگاهی بخشی خود را نسبت به فرزندش ایفا کند و وظایفی را که در روایات بر آن تأکید شده (از جمله انتخاب نام نیکو، تعلیم قرآن و آموزش مسائل زندگی) را به جای نیاورده و برای آگاهی بخشی با فرزند خود گفت‌وگو نکرده و از انجام این وظیفه بازمانده، در حالی که پدر باید زمانی را بنشیند و با فرزندش صحبت کند و او را نسبت به مسائل آگاه سازد. در چنین شرایطی، هیأت چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟ هیأت باید کمک کند، نه جایگزین شود.

این نکته بسیار ظریف و حیاتی است که نباید از آن غفلت کنیم. ما قرار نیست مسئولیت‌های پدر و مادر را یکسره بر عهده بگیریم؛ بلکه وظیفه ما تسهیل‌گری، ایجاد ظرفیت و دستیاری برای خانواده‌هاست. به بیان دقیق‌تر، در جاهایی که پدر نتوانسته مفاهیم و آگاهی‌های لازم را به فرزند منتقل کند، هیأت می‌تواند به یاری بشتابد و فضایی را طراحی کند که فرزندان بتوانند آن تعلیم و آگاهی را که پدر قرار بود ارائه دهد، در آن بیاموزند. اما این کمک باید روشمند باشد؛ به گونه‌ای که نه تنها جایگزین نقش پدر نشود، بلکه مکمل، تسهیل‌گر و حامی او باشد. این همان نکته طلایی است که نباید از نظر دور بداریم.

ما قرار نیست
مسئولیت‌های پدر
و مادر را یکسره
بر عهده بگیریم؛
بلکه وظیفه ما
تسهیل‌گری،
ایجاد ظرفیت و
دستیاری برای
خانواده‌هاست.

ترمیم روابط

دومین عنصر کلیدی، صمیمیت و عواطف است. بسیاری از پدران در برقراری ارتباط عاطفی با فرزندان خود موفق نیستند و نمی‌توانند آن صمیمیت لازم را به آن‌ها عرضه کنند. اینجاست که هیأت می‌تواند نقشی سرنوشت‌ساز ایفا کند و آن روابط خدشه‌دار شده بین والدین و فرزندان را ترمیم نماید. گاهی رابطه پدر و دختر یا مادر و دختر به دلیل نبود عذوفت و محبت، دچار سردی و شکاف شده است. گاهی سخت‌گیری‌های بی‌جای پدر، باعث سردی رابطه میان او و فرزندش شده است. در چنین شرایطی، هیأت می‌تواند به آب شدن این یخ‌ها کمک کند. وظیفه ما این است که فرزندی را که به هیأت می‌آیند، آرام آرام به سوی درک محبت والدین رهنمون سازیم. باید به آن‌ها تفهیم کنیم که عمق علاقه پدر و مادر به آن‌ها خالصانه و بی‌ریاست، حتی اگر شیوه ابراز آن درست نباشد. من بارها در جمع بچه‌ها گفته‌ام: «بچه‌ها! بدانید که در تمام

عالم، مهربان تر و عاشق تر از پدر و مادرتان برای شما پیدا نمی‌شود. آن‌ها صد درصد شما را دوست دارند و خیرخواه محض شما هستند. اما گاهی بلد نیستند چگونه با شما رفتار کنند، کسی به آن‌ها یاد نداده که محبت را چگونه ابراز کنند. این را به پای بی‌مهری آن‌ها نگذارید. نباید پدرتان را به خاطر اینکه روش درست تعامل را بلد نیست، جریمه کنید و او را مستحق توهین و بی‌ادبی و بی‌محبتی بدانید.» رسالت ما این است که به فرزندان کمک کنیم تا پیوند عاطفی‌شان سروسامان یابد و اگر این رابطه آسیب دیده و لطمه خورده، باید به اصلاح آن بکوشیم. این یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های هیأت در تعامل با نسل جوان است.

اگر خانواده‌ای در
تأدیب و تربیت
فرزند خود کوتاهی
کرده، ما باید نقش
مکمل را ایفا
نماییم.

ادب‌ورزی

سومین عنصر مهم، ادب‌ورزی و تربیت اخلاقی فرزندان است. وظیفه ما در هیأت این است که به پرورش ادب در بچه‌ها کمک کنیم؛ یا به بیان دقیق‌تر، اگر خانواده‌ای در تأدیب و تربیت فرزند خود کوتاهی کرده، ما باید نقش مکمل را ایفا نماییم. با توجه به این‌که نقش ما جایگزینی نیست، بلکه تکمیل‌کننده است. ما باید راهی بیابیم که خانواده‌ها را به میدان بیاوریم و آنان را در این فرایند مشارکت دهیم. گاه لازم است پدر و مادر در جلسات هیأت حضور یابند، بنشینند و این مطالب را بشنوند تا به وظایف خود آگاه شوند. گاه نیز باید به فرزندان کمک کنیم؛ فضای هیأت که مبتنی بر محبت، ولایت، الفت و معرفت است، بستر مناسبی برای این کار فراهم می‌کند. دلیل اهمیت ادب این است که حقی از حقوق فرزند بر گردن پدر به شمار می‌رود و پدر وظیفه دارد فرزندش را با ادب و اخلاق نیکو تربیت کند، پس ادب‌ورزی بسیار حائز

اهمیت می‌باشد. حال اگر پدری به هر دلیل نتوانست این حق را ادا کند و فرزندش را آن‌گونه که شایسته است تربیت نماید، هیأت می‌تواند این نقش مکمل را ایفا نموده و خلأ موجود را پر کند. به این ترتیب، هیأت در کنار خانواده و در راستای اهداف آن حرکت می‌کند و خانواده را برای تحقق رسالتش یاری می‌نماید.

متأسفانه بزرگ‌ترین
چالشی که امروز با
آن مواجهیم، این
است که بسیاری
از خانواده‌ها چنان
درگیر تأمین رزق
و روزی، لباس
و سایر نیازهای
مادی فرزندان خود
هستند که از ایمان
و معنویت آن‌ها
غافل مانده‌اند.

عنصر معنویت

چهارمین و شاید مهم‌ترین عنصر، معنویت و عبودیت است؛ یعنی فرزندانی بنده پرور، معنوی و در عین حال مطیع امر پروردگار و ولی تربیت کنیم. متأسفانه بزرگ‌ترین چالشی که امروز با آن مواجهیم، این است که بسیاری از خانواده‌ها چنان درگیر تأمین رزق و روزی، لباس و سایر نیازهای مادی فرزندان خود هستند که از ایمان و معنویت آن‌ها غافل مانده‌اند. در حالی که پدر و مادر در قبال ایمان فرزندان خود نیز مسئولیت دارند. اگر به عمق مفهوم «پدري» بنگریم، درمی‌یابیم که این واژه فراتر از نسبت خونی و تولد است. وقتی حضرت ابراهیم عموی خود آذر را «أبی» خطاب می‌کند،^۱ یا پیامبر اسلام ﷺ، خودش و امیرالمؤمنین علیه السلام را «ابو هذه الامة»^۲ معرفی می‌نماید، اشاره به

۱. انعام، ۷۴: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزر»

۲. تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۳۷۲.

نکته ظریفی دارد؛ چرا که فرق است بین اب و والد؛ والد، کسی است که انسان را به دنیا می‌آورد، اما «أب» کسی است که انسان را تربیت می‌کند و پدری حقیقی صرفاً به تولد نیست، بلکه به تربیت کردن و پرورش دادن است. با این نگاه، روشن می‌شود که معنویت و عبودیت باید در خانواده و با نقش‌آفرینی پدر محقق شود. اما پرسش اینجاست که هیأت در این میان چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ چگونه می‌توانیم به شکل‌گیری ایمان و معنویت در فرزندان کمک کنیم، آن هم صرفاً به عنوان یک نقش مکمل؟ پاسخ در حفظ همین «مکمل بودن» نهفته است. اگر از این مرز عبور کنیم و بخواهیم جایگزین خانواده شویم، چه بسا فرزندان را دچار تعارض و دوگانگی کنیم. فرزندی که در خانواده‌ای بدون توجه به معنویت بزرگ شده، اگر ناگهان در هیأت با موجی از مطالبات معنوی مواجه شود که هیچ سنخیتی با فضای خانه‌اش ندارد، دچار سردرگمی و تضاد درونی خواهد شد؛ بنابراین، رعایت این مرز ظریف و هوشمندی در ایفای نقش مکمل، از جمله مهم‌ترین ملاحظات است که باید مورد توجه دست‌اندرکاران هیأت قرار گیرد. ما باید چنان ظریف و هنرمندانه عمل کنیم که هم خلأهای معنوی را پر کنیم و هم فرزند را از مسیر طبیعی ارتباط با خانواده خارج نسازیم. این همان نکته‌ای است که نیازمند تأمل و دقت بسیار است.

هیأت می‌تواند
نقش کمکی
ایفا کند تا عنصر
قدرشناسی در
وجود بچه‌ها در
سه ساحت نگرش،
عاطفه و مهارت‌های
رفتاری ظهور و بروز
یابد.

عنصر قدرشناسی

پنجمین عنصر کلیدی که این روزها به شدت خلأ آن را در خانواده‌های امروز احساس می‌کنم، عنصر قدرشناسی و سپاسگزاری است. این موضوع را نه تنها بسیار به چشم دیده‌ام و درباره‌اش بسیار تأمل کرده‌ام، بلکه مطالعات گسترده‌ای (چه در پژوهش‌های میدانی و چه در عمق آموزه‌های دینی خودمان) در این زمینه داشته‌ام. منظور از قدرشناسی، آن فضیلت فراموش‌شده‌ای است که باید در همه روابط خانوادگی جاری باشد (زن نسبت به مرد، مرد نسبت به زن، فرزندان نسبت به والدین، و حتی گاه والدین نسبت به فرزندان). متأسفانه این عنصر حیاتی، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که نیازمند کار و توجه جدی است. رسالت ما در هیأت این است که فرزندان را قدرشناس بار بیاوریم. البته خانواده باید بستر اصلی این تربیت باشد، اما هیأت می‌تواند نقش کمکی ایفا کند تا عنصر قدرشناسی در وجود

بچه‌ها در سه ساحت نگرش، عاطفه و مهارت‌های رفتاری ظهور و بروز یابد؛ یعنی بچه‌ها باید ابتدا به این باور برسند که هر نعمت و محبتی، شایسته سپاس است و در مرحله بعد قلبشان نسبت به نیکی‌های دیگران سرشار از احساس قدردانی شود و در نهایت این احساس، به مرحله عمل برسد و اظهار گردد.

حال ما باید از خود پرسیم: آیا فرزندی که با آن‌ها در هیأت سروکار داریم، واقعاً بچه‌های قدرشناسی هستند؟ آیا توانسته‌ایم آن‌ها را چنان تربیت کنیم که این فضیلت والا در وجودشان نهادینه شود؟ این پرسشی است که تأمل و ارزیابی جدی می‌طلبد.

عنصر احترام یکی از ارکان اساسی است که باید در خانواده‌ها بدان توجه شود. اگر این توجه صورت نگیرد، شکاف‌های عمیقی در روابط خانوادگی پدیدار خواهد شد.

عنصر احترام

ششمین عنصر حیاتی، احترام است. جالب است بدانید که در یک پژوهش جهانی، از والدین سؤال شده بود: «مهم‌ترین عنصر اخلاقی که دوست دارید فرزندانتان بیاموزند چیست؟» احترام در زمره سه اولویت نخست قرار داشت. در برخی کشورها حتی احترام به عنوان اولین و مهم‌ترین گزینه انتخاب شده بود و در کنار آن مواردی مانند «عرق ملی» نیز دیده می‌شد. این یافته پژوهشی نشان می‌دهد که مسئله احترام، دغدغه‌ای جهانی و فراتر از مرزهای فرهنگی است. اما در خانواده‌های خود ما نیز این موضوع به وضوح خود را نشان می‌دهد؛ چرا که گله‌های بسیاری از خانواده‌ها دقیقاً ناظر به همین نقطه است و بسیاری از والدین از کمبود احترام در روابط متقابل شاکی هستند. پس بی‌تردید، عنصر احترام یکی از ارکان اساسی است که باید در

خانواده‌ها بدان توجه شود. اگر این توجه صورت نگیرد، شکاف‌های عمیقی در روابط خانوادگی پدیدار خواهد شد.

هیأت می‌تواند این فضیلت اخلاقی را که باید بر فضای خانواده حاکم باشد، از مسیر فرزندان به درون خانواده‌ها جاری سازد؛ رسالت ما این است که بچه‌ها را چنان توانمند کنیم که بتوانند این فضیلت را در خود پرورش داده و آن را در خانواده ظهور و بروز دهند؛ یعنی نه تنها خود، اهل احترام باشند، بلکه بتوانند این فرهنگ را به محیط خانه نیز تسری بخشند. این همان نقشی است که هیأت می‌تواند به عنوان تسهیل‌گر و مکمل خانواده ایفا کند.

۱. مسئله و ضرورت

✱ با توجه به این که نقش ها در خانواده های امروز، تضعیف و تحریف شده و چالش هایی به وجود آمده، ضرورت دارد که نقش های خانوادگی در عصر حاضر بازتعریف شوند.

۲. ظرفیت شناسی هیأت

✱ هیأت به عنوان نهاد مکمل، نه جایگزین؛ محل پیوند قلب هاست، لذا باید میان هیأت و خانواده پیوند به وجود آورد.

۳. هدف غایی: پیوند هیأت و خانواده

✱ ترمیم نقش ها (پدری، مادری، فرزندی، همسری) برای صیانت و حمایت از خانواده و اصلاح و تکمیل نقش های خانوادگی

۴. بسترها و فرصت ها

✱ مناسبت های مذهبی به عنوان فرصتی طلایی
✱ اردوها و جلسات هفتگی
✱ طراحی برنامه های هدفمند در ایام خاص (اعتکاف)
✱ تأثیر تعاملات بلندمدت در تحول رفتاری

۵. موانع و چالش ها

✱ انگاره های شناختی نادرست
✱ تصویر کاریکاتوری از خانواده
✱ خلأ های عاطفی و تربیتی

۶. راهبرد اصلی: تسهیل گری

✱ آموزش روش های صحیح ارتباط و رفع موانع ارتباطی
✱ بین والدین و فرزندان و ایجاد پیوند عاطفی در خانواده و توانمندسازی کودکان

۷. محورهای سه گانه تأثیرگذاری

✱ در بعد شناختی با انگاره زدایی و اصلاح نگرش
✱ در بعد عاطفی با ایجاد صمیمیت و ترمیم روابط
✱ در بعد رفتاری با مهارت آموزی و ادب ورزی

۸. شش عنصر کلیدی و محوری در رابطه پدر-

فرزند (با تأکید ویژه بر رابطه پدر-دختری)

✱ معنویت	✱ آگاهی بخشی
✱ قدرشناسی	✱ صمیمیت
✱ احترام	✱ ادب ورزی

۹. راهکارهای عملیاتی

✱ طراحی برنامه در مناسبت ها (ولادت امام علی، اعتکاف و...)
✱ شناسایی خلأ های عاطفی و ذهنی کودکان
✱ آموزش مهارت های ارتباطی
✱ توجه ویژه به کودکان با والدین غایب

۱۰. نقش کودکان در بهبود خانواده

✱ استفاده از ظرفیت کودکان برای اصلاح خانواده
✱ کمک به ایفای نقش تعیین کننده تر کودکان
✱ توانمندسازی کودکان برای بهبود نقش والدین

هیأت تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأت الگویی که گوشه گوشه و لحظه لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر^{علیه السلام} باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور... ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید. اما لازم است و ضروری...

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.

هکدا

۰۹۹۶۳۶۵۸۱۵۴
@heyatkoodak
Heyatkoodak.ir



نشر هیات امروز

heyatemrooz.ir
@heyatemrooz_ir

ماهی

۰۲۵-۳۶۶۳۱۲۲۰
۳۰۰۰ ۱۵۴۲
www.1542.org
info@1542.org

ماهی

@mahya1542